

میزگرد بررسی موانع و چالش‌های صنعت امنیت و IT کشور

صنعت افتان‌باز نیادسازی و تعامل با دولت است

در میزگردی با حضور تنی چند از کارشناسان و فعالان حوزه امنیت آی تی کشور، چشم‌انداز و موانع پیش‌روی بخش خصوصی و چالش‌های آن بررسی و تحلیل شد. در این نشست، دکتر علیرضا صالحی، سردبیر کتاب سال امنیت، میزبان مهندس مسعود رجبی، مدیرعامل شرکت پیام‌پرداز، مهندس سعید مرتضی مهدوی، رئیس هیئت‌مدیره سنندیکای افتا، مهندس محمد محمدجواهری، مدیرعامل شرکت پندار کوشک ایمن و دبیر میزگرد و مهندس رضا شمس، رئیس هیئت‌مدیره شرکت پارس فناوران خوارزم بود. مشروح مباحث مطرح شده در این میزگرد تخصصی را در ادامه می‌خوانید.



صالحی: برای شروع بحث از آقای جواهری خواهش می‌کنم بحث را آغاز کنند و کمی درباره کلیات مربوط به این حوزه صحبت کنند تا در ادامه به مبحث صنعت سایبری وارد شویم. **جواهری:** در این حوزه، چالش‌های خاص و زیادی وجود دارد که فکر می‌کنم آقایان مهندس مهدوی، مهندس شمس و مهندس رجایی بیشتر در این حوزه درگیر هستند و مشکلات را می‌شناسند. برای بحث امروز فکر می‌کنم به جای طرح چالش‌های روزمره از کمی بالاتر به مسئله نگاه کنیم و ببینیم آیا صنعت امنیت در چه وضعیتی است و چه اتفاقی برایش افتاده است؟ آیا این صنعت آن قدر ضعیف است که باید کاری برای آن کرد؟ ما خوب می‌دانیم که در این فضا حرف زیادی برای گفتن در جامعه نداریم و انتقادهایی که وارد می‌شود خیلی بیراه نیست. پس اول باید ببینیم فضای کسب و کار بخش خصوصی در ایران به چه شکلی است تا بعد برسیم به فضای کسب و کار در حوزه IT و امنیت و افتا. مجمع جهانی اقتصاد و بانک جهانی هر سال طی گزارشی مولفه‌های متعدد مؤثر در تسریع کسب و کار را در کشورهای مختلف ارزیابی می‌کنند. طبق این گزارش، در حوزه «رقابت پذیری»، سال گذشته ایران با دو پله سقوط به رتبه ۷۶ رسید. برای این ارزیابی‌ها مولفه‌های مختلفی را مورد نظر قرار می‌دهند. این مولفه‌ها نشان می‌دهند که ایران جایگاه خوبی ندارد و بخش خصوصی ما خیلی حرفی برای گفتن ندارد. نتیجه می‌گیریم که کسب و کار حوزه امنیت هم به‌عنوان یک قسمت از بخش خصوصی که در داخل همین اقتصاد ملی قرار دارد، خیلی مجزا از این شرایط نیست. بقیه کسب و کارها هم همین مشکلات ما را دارند البته با کمی تفاوت. با توجه به این مشکلات باید دید چه انتظاراتی از حاکمیت یا دولت داریم. ضمن اینکه نمی‌توانیم انتظاراتی فراتر از سایر کسب و کارها داشته باشیم. خواستم تصویری ارائه دهم که نشان می‌دهد ما دایره کوچکی از یک دایره بزرگ‌تر در بخش خصوصی ایران هستیم که خود آن دایره بزرگ

هم کاملاً نحیف است. حالا برای این بحث پیشنهاد می‌کنم مشخص کنیم دولت باید چه کند و وظیفه ما چیست تا این دایره کمی قوی‌تر بشود و صنعت سایبری هم به‌عنوان تکه‌ای از بخش خصوصی کمی قوی‌تر شود. اگر این مسائل حل شود، مسائل پایین دستی و مشکلات خرد هم کمی راحت‌تر حل خواهد شد.

صالحی: صنعت سایبری از بخش خصوصی کشور جدا نیست و اگر بخش خصوصی ضعیف باشد، طبیعتاً این بخش هم تضعیف خواهد شد. در این باره مثالی می‌زنم: گزارش‌های تسهیل کسب و کار که هر سال ارائه می‌شود شاخص‌های خوبی ارائه می‌کنند؛ مثلاً می‌گویند راه‌اندازی یک سوله در کشور باید در چند مرحله انجام شود. هر قدر که این مراحل بیشتر باشد، یعنی موانع کسب و کار در کشور زیاد است. طبق آمار سال ۲۰۱۳ در آمریکا شما با سه مرحله می‌توانید یک سوله احداث کنید و مشغول کار شوید. در ایران این کار با ۲۱ مرحله ممکن است. برای زمین باید با شورای ده یا دهیاری صحبت کنید. بعد با اداره کشاورزی مذاکره کنید و برای ساخت باید مجوزهای متعدد بگیرید و...



این نشان می‌دهد چقدر این فرایند پیچیده است و چقدر مشکلات در راه است و بخش خصوصی برای توسعه کسب و کار خود چه مشکلاتی دارد. با توجه به این مبحث، آقای شمس شما بفرمایید چقدر با این صحبت‌ها موافق هستید و وضعیت صنعت بومی سایبری ما را چطور می‌بینید؟

شمس: برای شروع این بحث فکر می‌کنم باید یک یا دو سؤال اولیه را طرح کنیم. سؤال این است که کاری که ما انجام می‌دهیم چقدر مهم است؟ خوب می‌دانیم که از بالاترین مقامات کشور از مقام معظم رهبری گرفته تا مدیران پایین دستی تاکید دارند که مقوله امنیت بسیار مهم و اساسی است.

سؤال دوم این است که خود این صنعت در کشور ما چطور به وجود آمده است؟ به نظر من این صنعت به واسطه تحریم‌ها در کشور به وجود آمد. حداقل سابقه شرکت ما این را نشان می‌دهد. یعنی به دلیل تحریم‌ها بازار و تقاضای زیادی ایجاد شد که باید به این تقاضا پاسخ داده می‌شد. شرکت‌هایی شروع به فعالیت و تولید در این حوزه کردند.

این وضعیت باعث شد در ۱۰ سال گذشته یک بنیه علمی قوی در کشور شکل گیرد. شاید اگر ۱۰ سال قبل از من که عمری در این حوزه گذاشته‌ام می‌پرسیدند که آیا می‌توانید فلان محصول را در کشور تولید کنید؛ واقعاً فکر نمی‌کردم عملی باشد. یعنی نرخ رشدی که صنعت امنیت در ۱۰ سال گذشته داشت بی‌نظیر بود و این هم به خاطر کمک‌های دولت نبود، بلکه به خاطر تقاضای ممتد در بازار بود که افرادی مثل ما آمدیم و در این زمینه شروع به فعالیت کردیم. این حوزه جنبه‌های راهبردی هم دارد. مثلاً وقتی از لوازم آرایشی صحبت می‌کنیم این جنبه راهبردی وجود ندارد، ولی صنعت امنیت، حیاتی است. گزارش‌هایی که پدافند غیرعامل منتشر می‌کند نشان می‌دهد میزان حملاتی که به کشور می‌شود بسیار بالاست. موقعیت سیاسی ما شرایط خاصی در این حوزه ایجاد کرده و افرادی که در این حوزه کار می‌کنند باید تمام تمرکزشان به تغییراتی



مسعود رجایی: باید تفاوت بین امنیت و اعتماد برای فعالان حوزه امنیت کشور تبیین شود و فقط در پی تمهیدات تعریف شده حوزه امنیتی نباشیم

باشد که روی می‌دهد.

حالا اگر فشار روی این بخش زیاد باشد متولیان نمی‌توانند وظایفی را که از سوی مردم و حاکمیت از آنها انتظار می‌رود به نحو احسن انجام دهند.

باید مشخص کنیم که صنعت بومی چه چالش‌هایی دارد و مثلاً در مقابل، چالش‌های واردات کدام است. با مقایسه این دو بخش می‌توان به این نتیجه رسید که قرار نیست صنعت بومی این حوزه خیلی کار راحتی در پیش داشته باشد، چون اصلاً به آن اجازه نفس کشیدن نمی‌دهند.

با اینکه امنیت ارزش راهبردی دارد اما حمایتی از آن وجود ندارد و به موقعیت و جایگاه تولیدکنندگان کمکی نمی‌شود.

صالحی: یعنی مشکلاتی که مادر صنعت داخلی خودمان داریم، به علاوه مشکلات خاص صنعت بومی سایبری! آقای مهندس رجایی شما نزدیک ۲۰ سال پیش شروع به کار کردید و بعدها به تولید محصول و کارهای دیگر رسیدید. وضعیت این صنعت را چطور می‌بینید؟

رجایی: من معتقدم هر چند این گفته مهندس جواهری که اقتصاد این صنعت دنباله‌رو اقتصاد کشور است حرفی درست است ولی باید به وجه تمایز این صنعت هم توجه کنیم.

آیا می‌خواهیم مسائل این صنعت را هم مثل صنعت خودرو یا مثل صنایع دیگر تحلیل کنیم؟ مثلاً گفته می‌شود اگر فلان خودرو را نسازیم بهتر است. آیا به این صنعت هم می‌شود این گونه نگاه کرد؟ وجه تمایز این صنعت در این است که آورده‌هایش به حدی زیاد است که انگیزه‌های بالایی ایجاد می‌کند. حتی برای خارجی‌ها این مسئله مهم است و حاضرند جنس مجانی به ما بدهند. گاهی اوقات محصولات می‌شود و هر چه حساب و کتاب می‌کنیم می‌بینیم قیمت تمام شده‌اش از قیمت پلتفرمی که ما در ایران می‌خریم ارزان‌تر است. این نشان می‌دهد که

سوسپید داده می‌شود تا این کالاها به قیمت ارزان به دست مردم ما برسد، بنابراین صنعت امنیت آن قدر آورده دارد که باعث شود روی آن سوسپید بدهند. پس باید نگاه متمایزی نسبت به صنعت‌های دیگر کشور به آن داشته باشیم. این روزها آخرین تکنولوژی‌های دنیا در کف بازار ایران در دسترس است. اینها نشان می‌دهد که خارجی‌ها دنبال بهره‌برداری‌های خاص از این فضا هستند. البته اسنودن هم در این باره صحبت کرده و اسنادی وجود دارد که حرف تازه‌ای نیست.

بحث بعدی این است که همیشه چالش‌های ما تبدیل به انتظارات از دولت شده و این باعث می‌شود از خودمان غافل شویم. مثلاً در خارج یک سسری شاخص‌هایی دارند که ما هم می‌توانیم داشته باشیم. این شاخص‌ها از طریق انجمن‌های صنفی اعمال می‌شود. مثلاً شاخص توسعه را بر مبنای میزان توسعه اینترنت قرار داده‌اند و همیشه کاری کرده‌اند که ما چهار نعل بتازیم تا به این شاخص‌ها برسیم.

منظورم این است که ما باید شاخص‌های بومی را تعریف کنیم. من به عنوان یک شرکت خصوصی باید شاخص‌هایی در مقابلم باشد که سعی کنم خودم را به آن برسانم. آموزش نیروی انسانی خیلی ضروری است. بعضی اوقات شرکتی هست که ۲۰ سال پیش تأسیس شده ولی نیروی انسانی‌اش در این مدت آموزش لازم را ندیده است. استانداردهای ما هم همین طور است.

ما به عنوان شرکت‌های امنیتی شاخص‌های استاندارد برای ارزیابی نداریم، بنابراین خیلی از این مسائل هست که باید به صورت صنفی حل شود.

صالحی: آقای مهدوی با توجه به این که شما در سندیکا هم مسئولیت دارید و به نوعی نماینده سندیکا در این جلسه هستید و با دوستان زیادی هم در ارتباط هستید، بنابراین مشکلات را خوب می‌دانید. نظر شما درباره این صنعت چیست؟

مهدوی: صنعت بومی سایبری از دید



**محمد
محمدجواهری:
به نظر من بخش
خصوصی باید
نهادسازی کند.
این نهادها
می‌توانند در
کنار دولت کار
رگولاتوری را
انجام دهند**

حاکمیت مهم است و از دید مدیران یک شوخی است. در این حوزه بیشتر باید از لغت حاکمیت استفاده کرد تا دولت؛ چون دولت به عنوان وزارت ارتباطات، در این باره کاملاً منفعل عمل می‌کند. حتی در قانون پنجم توسعه ارائه شده به مجلس، هیچ حرفی از امنیت نبود. اینها دیدشان فقط مخابراتی است، اما از سوی حاکمیت ۱۹ سازمان و ارگان مختلف در این حوزه دخالت می‌کنند.

در این باره مثالی می‌زنم: در بحث ترافیک که آنجا هم ۱۲ سازمان دخالت دارند، ما می‌رفتیم و سیستم‌های کنترل هوشمند را برنامه‌ریزی می‌کردیم تا در همه تقاطع‌ها به صورت کلان و یکپارچه عمل کنند. در این میان پلیسی می‌رفت و چراغ یک چهارراه را دست‌کاری می‌کرد و به صورت دستی درمی‌آورد. به این خاطر تمام شبکه مختل می‌شد. الان هم هر جا در جاده‌ها گره ترافیکی هست، اگر دقت کنید ماشین پلیس در آنجا ایستاده است. البته آن پلیس، نیت خیر دارد اما چون فقط جلوی پای خودش را می‌بیند و عقب و جلو مسئله را نمی‌بیند، عملاً کار را درست پیش نمی‌برد.

در صنعت امنیت هم اکنون همین طور است. تمام دوستان هر کدام مسئولیت‌هایی دارند و کار خودشان را می‌کنند اما یک دید کلان‌نگر وجود ندارد؛ مثلاً صادرات راهکارهای بومی سایبری را ممنوع کرده‌اند. درست است که این مسئله به زیرساخت حیاتی برمی‌گردد و ممکن است که مشکلاتی به همراه داشته باشد، اما اگر صادرات ممنوع است بازاری را که فلان شرکت از صادرات ایجاد کرد چطور تضمین می‌کنید؟ در آمریکا هم همین طور است، وقتی صادرات محصولی را ممنوع می‌کنند، تضمین‌هایی به تولیدکننده داده می‌شود.

سندهای مختلفی داریم که در حوزه‌هایی چون افتا، اقتصاد مقاومتی، امنیت، توسعه کسب‌وکار، سلامت اداری و... تدوین شده است، ولی همه اینها در حد یک جشنواره و یک برنامه خلاصه می‌شوند و همین!

امیدوار بودیم که شورای عالی فضای مجازی شکل بگیرد و بتواند این قضایا را سرسازمان

دهد. این ۱۹ مجموعه را زیر یک چتر ببرد و با یک ادبیات واحد با این صنعت مواجه شود که متأسفانه به دلایل سیاسی شاید به دلیل انتخاب مدیران نادرست در دوره‌های گذشته این اتفاق نیفتاد. این دوره هم آنچه انتظار داشتیم نشد. شورای عالی انفورماتیک رسماً منحل شده و تفویض اختیار کرده‌است، ولی ظاهراً کار می‌کند.

این به‌هم‌ریختگی، کار را مشکل می‌کند. در همین بحث شاخص‌ها که مطرح شد ما باید شاخص‌های شورای عالی انفورماتیک و شاخص‌های افترا را بگذرانیم، باید شاخص‌های دو اداره کل را که در وزارت صنعت در این حوزه کار می‌کنند بگذرانیم، باید شاخص‌های سایرین را بگذرانیم.

اگر این یکپارچگی وجود داشته باشد رقابت ناسالم بخش دولتی در قالب دانشگاه‌ها و سایر بخش‌ها با بخش خصوصی از بین می‌رود. این روزها دانشگاه‌ها همه تاجر شده‌اند. شرکت‌هایی از مجموعه دانشگاه‌ها بیرون می‌آیند که نه مالیات می‌دهند نه دغدغه نیروی انسانی دارند. مجموعه‌های دولتی هم در حوزه بانکی و نظامی و دولتی همین‌طور انحصاری عمل می‌کنند. شاید بگویند در بخش‌هایی مثل سطوحی از وزارت دفاع فناوری‌هایی هست که به بخش خصوصی واگذار نمی‌شود. ما هم به آنها کاری نداریم، اما آنهایی که قابل واگذاری است مثل SOC. چرا باید یک مجموعه نظامی شرکت تأسیس کند و همین بازار کوچک را برای بخش خصوصی تنگ‌تر کند؟

البته بخش خصوصی هم باید تلاش بیشتری بکند، ولی باید دل‌شان به آینده گرم باشد. قانون جرایم رایانه‌ای ما مربوط به سال‌ها پیش است، سند افتا سال‌هاست که منقضی شده و باید نسخه جدیدی نوشته شود. در این سند هیچ بحثی درباره شبکه‌های اجتماعی و اینترنت اشیاها نیست. اینها باید به‌روز شود که نمی‌شود.

زمان در حال گذر است و به بخش خصوصی فشار می‌آید. در حوزه افتا پیشنهادات خوبی

از خارج به نیروی انسانی ما می‌شود، اما اینها مقاومت می‌کنند و با چنگ و دندان به کار می‌پردازند.

نگرانی غرب این است که ایران تبدیل به قدرت پنجم سایبری دنیا می‌شود، اما در اینجا مدیران ما اصلاً توجهی به این مسئله ندارند و کاری غیر از شعار دادن انجام نمی‌دهند.

در این میان واردکنندگان تاخت‌وتاز می‌کنند. نمی‌خواهم بگویم پشت واردات چه اتفاقی می‌افتد، اما مثلاً خیلی آنتی‌ویروس‌های خارجی تخفیف‌های بالا می‌دهند و سایر شرکت‌ها هم همین‌طور. بعد ما در کشور شرکتی داریم که با چنگ و دندان می‌جنگد و هنوز به نقطه سر به‌سر نرسیده و در مناقصه‌ها مدام دارند جنس خارجی می‌خرند. به نظر من باید مدیران اصلاح‌شوند تا این وضعیت متحول شود.



رضا شمس:
ما حق صادرات
نداریم و ده‌ها
نهاد نظارتی
هم دارند
مانع ترانشی
می‌کنند. نتیجه
این است که
آنها با همان
تخفیف‌های بالا
محصول‌شان را
می‌فروشند و
حتی سود هم
می‌کنند

صالحی: آقای جواهری این وضعیت را چطور می‌توانیم جمع‌بندی کنیم؟

جواهری: به نظر من نقش دولت، رگولاتوری است و در تدوین قوانین و تسهیل کسب‌وکار خلاصه می‌شود. برای بخش خصوصی بهترین کار این است که نگاه مدیران دولتی عوض شود. باید کمک کنیم که دولت، کار رگولاتوری خودش را به نحو احسن انجام دهد. به نظر من بخش خصوصی باید نهادسازی کند. این نهادها می‌توانند در کنار دولت کار رگولاتوری را انجام دهند و از منافع بخش خصوصی حمایت کنند. مادر سال‌های گذشته در صنعت آی‌سی‌تی کشور نتوانستیم نهادهای قوی ایجاد کنیم. مثل کانون وکلای دادگستری که نهاد قدرتمندی است یا در جامعه پزشکی نظام پزشکی که نهادی قوی است. حتی نظام مهندسی کشور هم قوی عمل می‌کند، اما در حوزه رایانه و آی‌سی‌تی چنین نهادی نداریم. اگر می‌شد که در دو دهه گذشته نهاد قدرتمندی به وجود بیاوریم، می‌توانست در کنار حاکمیت بایستد و شاخص‌ها را تدوین کند و در رگولاتوری هم کمک کند. ما هم در بستری که این نهاد

ایجاد می‌کرد به کسب و کارمان می‌پرداختیم. این نهاد می‌توانست در زمینه صادرات از ما دفاع کند و ما بتوانیم بدون دغدغه به کارمان ادامه دهیم.

مهدوی: دقت کنید در سه مثالی که از نهادهای مختلف زدید آنها با اشخاص حقیقی طرف هستند نه با اشخاص حقوقی. در سازمان نظام صنفی رایانه‌ای هم درباره کارشناسان حوزه فناوری، فعالیت‌هایی صورت گرفت و آزمون‌هایی برگزار شد، اما می‌بینیم می‌بینیم که نتیجه‌ای حاصل نشد.

جوهری: صحبت من این است که یک نهاد قوی می‌تواند در کنار حاکمیت بایستد و بسترها را اصلاح کرده و در تدوین قوانین نقش داشته‌باشد. از طرف دیگر می‌تواند شاخص‌هایی برای ارزیابی بخش خصوصی و تنظیم کارها و مقررات ایجاد کند. از نظر من سازمان نظام صنفی رایانه در سال‌های گذشته کوتاهی کرده و مشکلات عدیده‌ای برای بخش خصوصی این حوزه به وجود آورده‌است. به خاطر اینکه جایگاهی را اشغال کرده‌است ولی نتوانسته به وظیفه خود به‌عنوان نهاد غیردولتی عمل کند و گر نه اکنون در تدوین شاخص‌ها مشکلی نداشتیم.

مهدوی: حرف‌تان را قبول دارم، ولی از قدیم یک سیاست انگلیسی هست که می‌گفتند «تفرقه بینداز و حکومت کن». متأسفانه سازمان نظام صنفی رایانه‌ای ما درگیر مسائل حاشیه‌ای شده‌است. با این حال نگاهی که اکنون آقایان نسبت به سندیکاای افتا دارند نسبت به دو یا سه سال پیش خیلی فرق دارد. واقعیت این است که شرکت‌ها به قدری درگیر فعالیت‌های خود هستند که حضورشان در سندیکا کم‌رنگ شده‌است. الان ما یک هسته محدود ۱۰-۱۵ نفری هستیم که داریم کار سندیکا را انجام می‌دهیم در حالی که خانواده سندیکاای افتا شامل شرکت‌ها و اعضای تخصصی‌شان ۴۰۰۰ نفر هستند.

جوهری: هدف من ارزیابی سندیکا یا سازمان نظام صنفی نیست. ما همه در حاکمیت در جلسات مختلف هستیم و می‌بینیم که افتا،

پدافند غیرعامل و شورای عالی فضای مجازی بدشان نمی‌آید که نهادی ایجاد شود و بخشی از امور را به عهده بگیرد.

مهدوی: درباره استاندارد حوزه سایبر به نکته‌ای اشاره کنم: در دنیا، یکی دو مجموعه بزرگ در زمینه استاندارد کار می‌کنند که تازه دارند استانداردهای حوزه سایبر را تدوین می‌کنند؛ یعنی این استانداردها حتی در دنیا هنوز وجود ندارد چه برسد به کشور ما. ضمن اینکه سندیکا در هر دوی این نهادهای بین‌المللی نقش پررنگی دارد. در واقع برای آن طرف دنیا خوب داریم کار می‌کنم، اما وقتی به داخل می‌رسیم می‌بینیم استاندارد ملی و بومی چنان فرایند طولانی است که عطایش را به لقایش می‌بخشیم.

جوهری: من هم این سیستم را می‌شناسم. یک دهه در بخش دولتی بودم. اما می‌خواهم بگویم که همه‌جای دنیا این دست‌وپا زدن هست، اما در بخشی از کشورها این نهادها قدرتمند می‌شوند و با دولت وارد تعامل می‌شوند ولی در ایران این طور نمی‌شود. به هر حال ما چالش‌هایی در این حوزه داریم که باید حل کنیم و نمی‌توانیم عطایش را به لقایش ببخشیم چون در نهایت ما هستیم که از موضوع ضربه می‌خوریم.

علاوه بر این می‌خواهم بگویم که قبول دارم که علاوه بر چالش بخش خصوصی یک چالش دیگر هم داریم. به این معنا که در همه دنیا بحث امنیت بحث حاکمیتی است. در ایران به مراتب شدیدتر است، بنابراین یک چانه‌زنی هم در این مورد با حاکمیت داریم چون در این باره صاحب‌نظر است و حساسیت وجود دارد.

صالحی: به نظر من درباره نهادسازی هنوز باید گفت و گو و دیدگاه آقای شمس و آقای رجایی را هم بشنویم.

شمس: الان به دو تا از نهادها اشاره شد که فکر می‌کنم قدمت اینها خیلی مهم است و شاید مقایسه آنها درست نباشد. مقایسه جایی که ۵۰ سال قدمت دارد با جایی که تازه شکل گرفته‌است درست نیست.



**سید مرتضی
مهدوی:
صنعت بومی
سایبری از دید
حاکمیت مهم
است و از دید
مدیران یک
شوخی است**

به هر حال باید آگاهی‌های لازم در این مورد فراهم شود تا کم‌کم به سمت راه‌حل و رفع این نابه‌سامانی‌ها حرکت کنیم. شاید تعریف اصولی از وضعیتی که داریم بتواند به ما کمک کند.

تعریف اصولی این است که هر کار تجاری بر مبنای تحویل سود شکل می‌گیرد. یکی از نکاتی که از آن غفلت می‌شود همین است. گزارش‌ها نشان می‌دهد که ارزش صنعت امنیت در سال ۲۰۲۰ به ۱۷۰ میلیارد دلار بالغ می‌شود. در حالی که در سال ۲۰۱۶ حدود ۱۰۶ میلیارد دلار بوده است. در حوزه محصولات هم جمع‌بندی‌ها نشان می‌دهد که این مبلغ حدود ۱۶ میلیارد دلار است. اگر به نسبت جمعیت نگاه کنیم که یک صدم دنیا هستیم، الان باید سهم ما از این بازار ۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیارد دلار باشد.

حالا در ایران، برای مثال برای طراحی یک ماژول باید ۶۰۰ نفر ماه وقت گذاشته شود و یک تیم ۲۰ نفره باید این ۶۰۰ نفر ماه را پر کنند تا به این محصول برسند. در حالی که چند شرکت بزرگ این حوزه بالغ بر ۶۸ درصد بازار را در اختیار دارند که بیشتر شرکت‌های آمریکایی و اسرائیلی هستند؛ یعنی به ازای یک دستگاهی که من می‌فروشم طرف خارجی بالغ بر ۱۶۰۰ دستگاه می‌فروشد. از طرفی با درآمدی که او دارد اگر درصد کوچکی را صرف R&D (تحقیق و توسعه) کند می‌داند چه توانی خواهد داشت؟ پس از

حیث رقابتی باید نگاهی واقعی به بازار داشت. ما حق صادرات نداریم و ده‌ها نهاد نظارتی هم دارند مانع تراشی می‌کنند. نتیجه این است که آنها با همان تخفیف‌های بالا محصول‌شان را می‌فروشند و حتی سود هم می‌کنند. از طرف دیگر، حاکمیت در صنعت امنیت چیزی به بخش خصوصی تزیق نکرده است. از نظر نیروی انسانی، یک نیرو نزدیک به ۱۸ سال در آموزش و پرورش و آموزش عالی، دوره می‌بیند. بعد نزد من می‌آید. اصلاً با کار آشنایی ندارد. ۵ سال طول می‌کشد تا بر شرایط کار مسلط شود و برای او به‌عنوان

نیروی متخصص پروژه تعریف کنیم. وقتی به این مرحله رسید از مالزی یا استرالیا یا آمریکا سر در می‌آورد. یعنی ما داریم کار خنده‌داری می‌کنیم. از یک طرف امنیت کشور را تأمین می‌کنیم و از طرفی به خاطر ضرباتی که می‌زنند نمی‌توانیم کارمندان را تأمین کنیم، بنابراین برای کشورهای دیگر تأمین نیروی انسانی می‌کنیم.

به نظر من این بحث‌ها باید مدام مطرح شود. هر قدر که این مشکلات را مطرح کنیم ممکن است در ذهن مدیران رسوخ کند و از تعداد ضرباتی که به ما وارد می‌شود و از تعداد تصمیم‌گیری‌های ناخواسته غلط، کاسته می‌شود.



**محمد
محمد جواهری:
به نظر من بخش
خصوصی باید
نهادسازی کند.
این نهادها
می‌توانند در
کنار دولت کار
رگولاتوری را
انجام دهند**

صالحی: ضمن اینکه تنهایی گفتن، یک چیز است و گفتن از طریق نهاد چیزی دیگر. یعنی چون ما آن نهاد قدرتمند را نداریم که بلندگوی ما باشد، گفته‌هایمان اثر کمتری دارد. آقای رجایی نظر شما در این مورد چیست؟

رجایی: ما دو گروه شرکت‌های اف‌ا داریم؛ یک گروه شرکت‌هایی هستند که کار IT می‌کنند و سیستم‌های زیرمجموعه آنها هم یک بخش امنیت دارد. دیگری شرکت‌هایی که مثل مجموعه آقای جواهری یا ما به‌طور خاص و اختصاصی کار امنیت می‌کنند، ولی در هر دو صورت اینها باید پروژه‌هایی بگیرند که پروژه‌های فرعی آنها امنیت است. پروژه‌های اصلی یا مخابرات است یا شبکه که باز حدود ۵ تا ۱۰ درصد این پروژه‌ها شامل امنیت می‌شود.

یکی از ضعف‌هایی که ما داریم این است که در کشور شرکت بزرگ اف‌ا نداریم. به این دلیل که پروژه‌های ما پروژه‌های فرعی است، قطعاً اندازه پروژه‌ها و قراردادهای کوچک می‌شود و کارها همه خرده‌کاری است.

گاهی صدها پروژه داریم که تعدادشان درگیری‌های خاص خودش را دارد. مطالبات و روند فروش یک قرارداد ۵۰ میلیونی و ۵۰۰ میلیونی و ۲ میلیاردی تقریباً یکی است. در قراردادهای خرد معادل نیرویی که جنس

می‌فروشد، همان مقدار نیرو باید مشغول وصول شود. به دلیل این مشکلات است که در صنعت IT کنسرسیونم نداشتیم، همین‌طور در صنعت امنیت که اصلاً نداشتیم. من در حوزه امنیت پروژه‌های که با بیش از ۵ میلیارد تومان اجرا شده‌باشند سراغ ندارم. درحالی‌که مثلاً در شرکت‌های ساختمانی رقم‌ها ده‌ها و صدها میلیارد هستند. این هم یکی از چالش‌های ماست. مگر این‌که امنیت جایگاه مستقل از IT داشته‌باشد.

صالحی: به‌خاطر دارید که زمانی وام‌های طرح تکفرا را می‌دادند. رقم این وام‌ها حدود ۱۰ و ۲۰ میلیون و نهایتاً ۵۰ میلیون تومان بود. آن موقع مشاور مجموعه‌ای بودم که نان صنعتی تولید می‌کرد و دولت هم مایل بود نان را صنعتی کند. وام‌های این حوزه از دو میلیارد تومان شروع می‌شد. همان زمان ما درگیر وام‌های کوچک بودیم که بعضاً محقق هم نمی‌شد. آقای جواهری چرا صنعت ما این قدر ضعیف است و حجم کمی دارد؟ اگر دولت حمایت می‌کرد فکر می‌کنید اتفاق بهتری می‌افتاد؟

جواهری: مقداری از این مسئله به خود ما برمی‌گردد، اما من اعتقاد دارم که دولت نباید اصلاً به این مسئله ورود کند. شاید لازم باشد دولت یک سیاست حمایتی را تدوین کند، اما اعتقاد دارم اگر آن نهاد قوی را داشتیم و تجربه‌های دنیا را مطالعه می‌کردیم بهتر متوجه می‌شدیم که بخش حاکمیتی چه حمایتی از این صنعت می‌کند؟ در تمام دنیا مسئله امنیت حاکمیتی است. دو ماه پیش گزارشی می‌خواندم که اتحادیه اروپا تازه به این نتیجه رسید که در بخش امنیت باید از ظرفیت بخشی خصوصی استفاده کند، یعنی تاکنون نمی‌کرده‌است، اما چرا آنها در این صنعت قوی هستند؟ دلیلش این است که بسترهای خوبی داشته‌اند.

در اینجا هم باید رویکرد و مدل فکری ما و مدیران دولتی ما عوض شود. باید مطالعه کنیم و ببینیم چطور می‌شود یک شرکت آمریکایی



سید مرتضی مهدوی:
صادرات راهکارهای بومی سایبری را ممنوع کرده‌اند. اما اگر صادرات ممنوع است بازاری را که فلان شرکت از صادرات ایجاد کرد چطور تضمین می‌کنید؟

و اروپایی کنسرسیون می‌شوند. **مهدوی:** قبل از کنسرسیون شدن، پروژه‌های بزرگ در بازار برای آنها هست. **جواهری:** نه آقای مهندس! گاهی هم برای ورود به بازار حتی از منافع خودشان کوتاه می‌آیند. فکر می‌کنم در دنیا تجربه‌های خوبی هست که باید مطالعه شود. یک مقداری هم نظام و حاکمیت باید تغییراتی بدهند تا مدل غربی قابل اجرا شود.

صالحی: در اینجا یک نگرانی ایجاد می‌شود. اگر ما می‌گوییم که ماصنعت بومی سایبری مان ضعیف است و دولت باید کمک کند، آیا قرار نیست اتفاقی که برای صنعت خودرو افتاد برای این صنعت هم رخ بدهد؟ صنعتی که در آن پول تزریق می‌شود و در نهایت حرفی برای گفتن ندارد؟ جنس آن حمایت باید چطور باشد؟

شمس: به‌زعم من، اتفاقاتی که در ایران افتاده و پیشرفت‌هایی که رخ داد واقعاً زیاد است. شما پروژه‌های را سراغ ندرید که ما در اینجا توان انجام آن را نداشته‌باشیم پس این مجموعه ناتوان نیست. از فرمایش شما این استنباط نشود که این صنعت در ایران ضعیف است ولی بازار کافی برای آن وجود ندارد. توانایی شرکت‌های ما برای ارائه برنامه‌های پیشرفته بالاست. اما آیا ما می‌توانیم با توجه به شرایط موجود بازار و رقابت ناسالم با شرکت‌های دولتی، نیرو و سرمایه بگذاریم و محصولاتی را تولید کنیم که قادر به فروش آنها نیستیم؟

صالحی: پس ما الان به دنبال چه نوع حمایتی می‌گردیم؟

مهدوی: اجازه دهید من نکته‌ای را بگویم. این واقعیتی است که در NGOهایی که مثال زده شد، مثلاً وزیر یک پزشک است و بعد وزیر می‌شود، بعد دوباره همان پزشک است. قضات بعد از بازنشستگی وکیل دادگستری می‌شوند. نکته دیگر این‌که حجم بازار مادر حوزه افتاد کوچک است، ولی بزرگ خواهد شد. پس نگاه را باید عوض کنیم. آقای شمس اشاره کردند

که هر کاری می‌شود کرد و هر چیزی را می‌توان ساخت، ولی نمی‌شود ۵ سال روی محصولی کار و سرمایه بگذاریم که شاید بخرند و شاید نخرند.

با این حال اگر نیمه پر لیوان را نگاه کنیم کارهای خوبی هم شده‌است. برنامه پنج‌م توسعه برنامه بسیار خوبی است، اما بندهایی که در حوزه IT داشت هنوز محقق نشده‌است و گزینه تحولات بسیار زیادی روی می‌داد. آخرین گزارش غیررسمی مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که برنامه پنج‌م ۳۰ درصد موفق بوده‌است چون دستگاه نظارتی وجود نداشته‌است. برای بقیه موارد همین طور است، مثلاً در مورد سندیکا و شورای عالی فضای مجازی مصوبه‌های خوبی در زمینه حمایت از صادرات و حمایت از محصولات داخلی و برای تعیین شاخص‌ها و بسیاری از موارد دیگر تصویب شده‌است ولی زمان می‌برد تا عملیاتی شود.


دیگر اینکه دستگاه‌های دولتی باید نقش اجرایی را کنار نهاده و برعهده بخش خصوصی بگذارند. بخش خصوصی توان انجام کارهای خوبی را دارد. آیا به‌خاطر حملاتی که به سایت‌های خارجی داریم، مقام پنجم سایبری دنیا را کسب کرده‌ایم یا به‌خاطر توان داخلی که همه را نگران کرده‌است؟! بعد از برجام بیش از ۲۰ هزار نفر کارشناس بین‌المللی به ایران آمده‌اند که درصد بالایی از آنها مستقیم یا غیرمستقیم در حوزه افتنا هستند. حتی دارند تعامل می‌کنند که محصولات را به اسم برند ایرانی به بازار بدهند.

در خصوص فرمایش آقای جواهری درباره NGO باید بگویم که ما الان چند کمیته را در حوزه ارزیابی و راهبردی فعال کرده‌ایم. این آمادگی را داریم که با کمک خود شرکت‌ها این کار را ادامه دهیم. مدتی است که کمیته‌ای غیررسمی در حوزه مارکتینگ فعالیت می‌کند. خوشبختانه اکنون حاکمیت هم سندیکا را به رسمیت شناخته و از توانش استفاده می‌کند. در هر حال لازم است که طرح مسئله را بیشتر داشته‌باشیم و مجموعه دیده‌بان آی‌تی

به‌عنوان تریبون رسانه‌ای هم کمک کند. سندیکا هم آماده هر نوع همکاری است. **رجایی:** وضعیت ما در منطقه خیلی خوب است. در خاورمیانه شاید غیر از اسرائیل هیچ کشوری توان ایران را ندارد. برخی از کشورهای همسایه مانند ارمنستان اصلاً درباره امنیت فکری نکرده‌اند.

پروژه بزرگی انجام می‌دهند که اصلاً فکری برای امنیت آن نکرده‌اند و دغدغهای برایشان نیست. قبول کرده‌اند که جز اطمینان به دیگران راه دیگری ندارند، یعنی دست‌ها را در امنیت بالا برده‌اند. وضع ما از این لحاظ خوب است و حرف برای گفتن داریم. محصول داریم، سروس داریم و... این فرصت‌ها باعث شده‌است که اینها دغدغه ما باشد که الان مطرح می‌کنیم.

جواهری: من منکر داشته‌ها نیستم و فکر می‌کنم خیلی هم وضع خوبی داریم. حتی نسبت به کشورهای اروپایی. کما اینکه پس از برجام حجم سنگینی از قراردادها در حوزه دانش‌بنیان بوده‌است. ما از نظر تکنیکی و متخصص چیزی کم نداریم و خیلی هم جلوتریم، اما در زمینه بخش خصوصی، صرف داشتن تکنیک کافی نیست. باید در حوزه مارکت و فروش قوی باشیم. بخش خصولتی را کم‌رنگ کنیم یا چرخ‌شان را از حرکت بیندازیم و دولت را به این نتیجه برسانیم که مسئله صادرات را برای ما حل کند.

در زمینه مدیریت دسته‌جمعی شرکت‌ها ضعیف هستیم. ما در مجموعه خودمان در توسعه محصول مان حرف قدرتمندی زدیم. در ادبیات جهانی ما تجاری نشده‌ایم. ما در مدیریت بخش خصوصی مان هنوز ضعیف هستیم، یعنی شاید بهتر است که یک مدیر خارجی بیاوریم تا این فاصله را پر کنیم. چرا بخش خصولتی می‌تواند کار کند؟ چرا این مسائل در کشورهای دیگر نیست؟ اگر نیست چرا؟ بخش خصوصی این صنعت کجاست؟ مدیران چه قد و قواره‌ای دارند؟ شاخ‌های ما کجاست؟ سندیکا چقدر ظرفیت دیگر دارد؟ اینها سؤالاتی است که باید در این حوزه پاسخ داده شود 



مسعود رجایی:
یکی از
ضعف‌هایی که ما
داریم این است
که در کشور
شرکت بزرگ
افتنا نداریم. به
این دلیل که
پروژه‌های ما
پروژه‌های فرعی
است